

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

متن کامل طومارهای بحرالیت (آثار فرقه‌ای)

با مقدمه و حواشی پرفسور گزا ورمش

گزا ورمش

مترجم

سعید کریم‌پور



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۱۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۱۰۳۶۳۱۷

متن کامل طومارهای بحرالْمیت (آثار فرقه‌ای)

با مقدمه و حواشی پرفسور گزا ورمش

مؤلف: گزا ورمش

مترجم: سعید کریم‌پور

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۳۹۷، چاپ دوم: ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آوای خاور

قیمت: ۱۲۴،۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

عنوان قراردادی: طومارهای بحرالْمیت

عنوان و نام پدیدآور: متن کامل طومارهای بحرالْمیت، آثار فرقه‌ای/ با مقدمه و حواشی از گزا

ورمش؛ مترجم سعید کریم‌پور

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۷۷۶ ص.

فروست: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ ۸۴

شابک: 978-964-426-654-6

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Dead Sea scrolls, 2004.

یادداشت: کتاب حاضر از ترجمه انگلیسی تحت عنوان «The complete Dead Sea scrolls in English» به فارسی ترجمه شده است.

موضوع: طومارهای بحرالْمیت

شناسه افزوده: ورمش، گزا، ۱۹۲۴ - م، مقدمه‌نویس

شناسه افزوده: Vermes, Geza

شناسه افزوده: کریم‌پور، سعید، ۱۳۵۸ - ، مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: BM۴۸۷/۳ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۶/۱۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۷۳۷۶۷

فهرست مطالب

| | |
|-----|--|
| ۱۳ | مقدمه مترجم |
| ۴۹ | آشنایی با نویسنده کتاب |
| ۵۱ | فهرست اختصارات |
| ۵۳ | فهرست کامل طومارهای یافت شده در قمران |
| ۶۱ | سخنی با خواننده (به قلم پروفیسور ورمش) |
| ۶۴ | وقایع نگاری قرن دوم پیش از میلاد تا قرن دوم میلادی |
| ۶۸ | مقدمه مؤلف |
| ۶۸ | بررسی دقیق تحقیقات پنجاه ساله درباره طومارهای بحرالْمِیت |
| ۷۵ | وضع کنونی مطالعات مربوط به طومارهای بحرالْمِیت |
| ۸۴ | قمران و عهد جدید |
| ۸۵ | بزرگترین دستاورد قمران |
| ۹۶ | جامعه قمران |
| ۱۱۳ | اسنیان و جامعه قمران |
| ۱۲۱ | تاریخچه جامعه قمران |
| ۱۴۲ | اعتقادات مذهبی جامعه قمران |
| ۱۶۶ | یادداشتی درباره این ترجمه |
| ۱۶۹ | بخش اول: قوانین و مقررات |
| ۱۷۱ | قانون جامعه |
| ۱۹۱ | نسخه‌هایی از قانون جامعه، مکشوفه در غار ۴ |
| ۱۹۱ | 4QS ^d =4Q258 |
| ۱۹۵ | 4QS ^e =4Q259 |
| ۱۹۸ | ورود به میثاق |
| ۱۹۹ | چهار طبقه جامعه |
| ۲۰۰ | سند دمشق |

۶ طومارهای بحرالمیت

| | |
|-----|--|
| ۲۲۰ | نسخه‌های سند دمشق، مکشوفه از غار ۴ |
| ۲۲۲ | (۱) آغاز سند دمشق طبق طومارهای «4Q266-8» |
| ۲۲۳ | (۲) قوانین تشرّف |
| ۲۲۴ | (۳) قوانین مربوط به سلب صلاحیت از کاهنان |
| ۲۲۵ | (۴) تشخیص بیماری پوستی |
| ۲۲۷ | (۵) قوانین مربوط به وظایف خوشه‌چینی و فلاحت کاهنان |
| ۲۲۹ | (۶) قانون کیفری و تجدید مراسم مذهبی میثاق |
| ۲۳۲ | (۷) متن آمیخته‌ای از قانون جامعه و سند دمشق |
| ۲۳۶ | قانون مسیحائی |
| ۲۴۰ | طومار جنگ |
| ۲۶۱ | طومار جنگ، مکشوفه در غار ۴ |
| ۲۶۳ | کتاب جنگ |
| ۲۶۶ | طومار معبد |
| ۲۹۲ | ملاحظات درباره شریعت (MMT) |
| ۳۰۰ | شریران و قدّيسان |
| ۳۰۱ | هلاخای «الف» از غار ۴ |
| ۳۰۳ | هلاخای «ب» از غار ۴ |
| ۳۰۴ | طاهروت (پاکیها) متن «الف» از غار ۴ |
| ۳۰۶ | طاهروت (پاکیها) متن «ب» از غار ۴ (B ^a -B ^b) |
| ۳۰۸ | جمع‌آوری خرمن، مکشوفه از غار ۴ |
| ۳۰۹ | نصیحت استاد به پسران صبح |
| ۳۱۱ | مردانی که خطا می‌کنند، مکشوفه از غار ۴ |
| ۳۱۲ | ثبت تویخ‌ها |
| ۳۱۴ | نکوهش‌ها (پیش از تغییر کیش؟) |
| ۳۱۵ | بخش دوم: سرودها و شعرها |
| ۳۱۷ | سرودهای سپاس |
| ۳۸۷ | قطعه سرودگونه |
| ۳۸۸ | مزامیر مجعول ۱ |
| ۳۹۵ | مزامیر مجعول ۲ |
| ۳۹۷ | مزامیر مجعول ۳ |
| ۴۰۰ | مزامیر غیررسمی |

فهرست مطالب ۷

| | |
|------------|---|
| ۴۰۹ | مرثیه‌ها |
| ۴۱۱ | آوازه‌ها برای کشتار حیوانی سبت |
| ۴۲۰ | قطعات منظوم درباره اورشلیم و «شاه» یوناتان |
| ۴۲۲ | سرود تجلیل «الف» و «ب» |
| ۴۲۵ | بخش سوم: تقویم‌ها، آیینهای عبادی و دعاها |
| ۴۲۷ | تقویم‌های مربوط به دوره‌های کهانت |
| ۴۴۱ | سند تقویمی «C» |
| ۴۴۱ | سند تقویمی «D» |
| ۴۴۲ | علائم تقویمی (Otot) |
| ۴۴۸ | زیج‌ها، یا اندام‌سنجی‌های ستاره‌شناسانه |
| ۴۵۰ | اهله قمر |
| ۴۵۱ | تقویم منطقه البروجی با رعدشناسی |
| ۴۵۳ | نظم مراسم الهی |
| ۴۵۴ | کلمات انوار آسمانی |
| ۴۵۸ | نماز آیینی |
| ۴۵۹ | ادعیه‌ای برای جشنها |
| ۴۶۱ | نمازهای روزانه |
| ۴۶۳ | دعا یا سرود روحانی در تجلیل صبح و عصر |
| ۴۶۴ | برکت‌ها |
| ۴۶۷ | نیایش‌های پایانی |
| ۴۷۲ | مراسم اعتراف |
| ۴۷۳ | مراسم تطهیر «الف» |
| ۴۷۴ | مراسم تطهیر «ب» |
| ۴۷۵ | یک متن آیینی |
| ۴۷۷ | بخش چهارم: نوشته‌های تاریخی و آخرالزمانی |
| ۴۷۹ | وقایع‌نگاری آخرالزمانی یا هفته‌های مجعول |
| ۴۸۰ | متن تاریخی «A» |
| ۴۸۱ | متن‌های تاریخی «E-C» |
| ۴۸۳ | متن تاریخی «F» |
| ۴۸۴ | پیروزی پاکي، یا کتاب اسرار |

۸ طومارهای بحرالْمیت

| | |
|------------|---|
| ۴۸۶ | روزگار پاکی |
| ۴۸۷ | زمینِ نو شده |
| ۴۸۸ | آخِر الزّمان مسیحائی |
| ۴۹۱ | بخش پنجم: نوشته‌های حکمت‌آمیز |
| ۴۹۳ | زن اغواگر |
| ۴۹۶ | ترغیب به جستجوی حکمت |
| ۴۹۹ | مَثَل عبرت‌آموز |
| ۵۰۰ | نوشته تعلیمی حکمت‌آمیز بازمانده از عهد عتیق «الف» |
| ۵۰۱ | نوشته حکیمانۀ‌ای از عهد عتیق (i) |
| ۵۰۲ | نوشته حکیمانۀ‌ای از عهد عتیق (ii) |
| ۵۱۸ | نوشته حکیمانۀ‌ای از عهد عتیق (iii): طریق‌های پاکی |
| ۵۲۰ | نوشته حکیمانۀ‌ای از عهد عتیق: تألیف تعلیم‌گونه |
| ۵۲۳ | دو طریق |
| ۵۲۴ | جانم را برکت ده! |
| ۵۲۹ | سوگواری یک پیشوا |
| ۵۳۰ | جنگ با ارواح شر |
| ۵۳۱ | آوازهای یک حکیم |
| ۵۳۴ | «خوش‌به‌حال»ها |
| ۵۳۷ | بخش ششم: تفاسیر کتاب مقدس |
| ۵۳۹ | یادداشت مقدماتی |
| ۵۴۱ | ترجمه‌های آرامی کتاب مقدس |
| ۵۴۴ | ترگوم ایوب |
| ۵۵۱ | ترگوم لاویان |
| ۵۵۲ | ضمیمه: ترجمه‌های یونانی کتاب مقدس |
| ۵۵۲ | قطعات یونانی دیگر |
| ۵۵۵ | نسخه بازنویسی شده اسفار خمسه تورات موسی |
| ۵۵۹ | تأویل سفرهای پیدایش و خروج |
| ۵۶۱ | کتاب مجعول پیدایش |
| ۵۷۲ | تفاسیر بر سفر پیدایش |
| ۵۷۵ | تفسیر بر سفر پیدایش «C» |

فهرست مطالب ۹

| | |
|-----|--|
| ۵۷۶ | تفسیر بر سفر پیدایش «D» |
| ۵۷۷ | تفاسیر بر اشعیا |
| ۵۸۱ | تفاسیر بر هوشع |
| ۵۸۳ | تفسیر بر میکاه |
| ۵۸۴ | تفسیر بر ناحوم |
| ۵۸۸ | تفسیر بر حبقوق |
| ۵۹۵ | تفسیر بر صفتیاه |
| ۵۹۷ | تفسیر بر ملاخی |
| ۵۹۸ | تفسیر بر مزامیر |
| ۶۰۲ | تفسیر بر یک متن غیرقابل شناسایی |
| ۶۰۳ | گزیده یا میدراش درباره آخرالزمان |
| ۶۰۵ | طومار «شهادت‌نامه» یا گزیده‌های مسیحائی |
| ۶۰۷ | احکام یا تفاسیر بر شریعت کتاب مقدس |
| ۶۱۰ | امیر ملکی صدق آسمانی |
| ۶۱۳ | تسلّیات یا «تَنهُومیم» |
| ۶۱۴ | سلسله‌ها، یا تفسیر متون کتاب مقدس درباره آخرالزمان |
| ۶۱۷ | بخش هفتم: نوشته‌های مجعول متکی بر کتاب مقدس |
| ۶۱۹ | یوول‌ها |
| ۶۲۴ | دعای انوش و خونخ |
| ۶۲۶ | کتاب خونخ |
| ۶۳۰ | کتاب غولان |
| ۶۳۲ | وعظی همراه با طوفان بزرگ |
| ۶۳۴ | دورانهای آفرینش |
| ۶۳۵ | کتاب نوح |
| ۶۳۷ | سخنان میکائیل فرشته مقرب |
| ۶۳۸ | عهد لاوی «i» |
| ۶۴۱ | عهد دوازده بطریق: عهد لاوی یا عهد یعقوب |
| ۶۴۳ | عهد یهودا و یوسف |
| ۶۴۴ | عهد نفتالی |
| ۶۴۵ | نوشته روایی و منظوم «a-c» (کتاب مجعول یوسف) |
| ۶۴۸ | عهد قهات |

۱۰ طومارهای بحرالْمیت

| | |
|-----|---|
| ۶۵۰ | عهد عَمرام |
| ۶۵۳ | سخنان موسی |
| ۶۵۵ | گفتار درباره واقعه خروج و فتح کنعان |
| ۶۵۶ | کتاب مجعول موسی «a» |
| ۶۵۷ | کتاب مجعول موسی «b» |
| ۶۵۸ | کتاب مجعول موسی «c» |
| ۶۵۹ | اسفار خمسه مجعول تورات «ب» |
| ۶۶۰ | کتاب مجعول دیگری از موسی (یا داوود) |
| ۶۶۱ | پیشگویی یوشع |
| ۶۶۲ | کتاب مجعول یوشع «i»، یا مزامیر یوشع |
| ۶۶۵ | کتاب مجعول یوشع «ii» |
| ۶۶۶ | کتاب مجعول سموئیل |
| ۶۶۸ | حاشیه‌ای بر کتاب پادشاهان |
| ۶۶۹ | کتاب مجعول الیشع |
| ۶۷۰ | کتاب مجعول صدقیا |
| ۶۷۱ | روایت تاریخی-مذهبی متکی بر سفرهای پیدایش و خروج |
| ۶۷۳ | طوبیت |
| ۶۸۰ | کتاب مجعول ارمیا |
| ۶۸۴ | اورشلیم نو |
| ۶۸۷ | کتاب حزقیال دروغین «a-d» |
| ۶۹۰ | دعای نبونید |
| ۶۹۱ | نوشته‌های پیرا دانیالی |
| ۶۹۲ | چهار پادشاهی |
| ۶۹۳ | نوشته‌ای آخرالزمانی به زبان آرامی |
| ۶۹۵ | پیش نویس متن کتاب استر (?) |
| ۶۹۷ | فهرست پیامبران دروغین |
| ۶۹۸ | فهرست خادمان معبد، یا «تینیم» |
| ۶۹۹ | بخش هشتم: نوشته‌های متفرقه |
| ۷۰۱ | طومار مسی، یا طومار گنج |
| ۷۰۸ | متون رمزی |
| ۷۱۰ | دو فهرست تبعیدشدگان از قمران |

فهرست مطالب ۱۱

| | |
|-----|---|
| ۷۱۳ | بخش نهم: ضمیمه |
| ۷۱۵ | (الف) فهرست طومارها |
| ۷۳۷ | (ب) ویرایش‌های عمده از نسخه‌های خطی قمران |
| ۷۴۱ | (ج) نگارش و تلفظ نامهای مهم عبری و یونانی مرتبط با متن طومارها یا تاریخ فرقه بحرالمیت |
| ۷۵۳ | کتابنامه عمومی |
| ۷۵۹ | نمایه طومارها |
| ۷۶۵ | نمایه عمومی |

مقدمه مترجم

کتابی که هم‌اکنون پیش روی خواننده است به موضوعی اختصاص دارد که همه دانشمندان تاریخ ادیان، از آن به عنوان «بزرگترین کشف کتاب مقدسی قرن بیستم» یاد می‌کنند. این کشف بزرگ به قدری در شناخت تاریخ قوم یهود و متون مقدس آن مهم و اساسی بوده که حتی در دیدگاه‌های کلی دانشمندان در این باره نیز تحولی عظیم به وجود آورده است. طومارهای بحرالمیت، با حدود دو هزار سال قدمت، علاوه بر اینکه حقایق ژرفی از حساس‌ترین و پر ابهام‌ترین بخش تاریخ قوم یهود را برای اولین بار آشکار می‌سازند، گنجینه‌ای بسیار گرانبها از متون مقدس یهودی را نیز به دست می‌دهند که درک ارزش واقعی آن، جز برای آشنایان به تاریخ ادیان قدیم و کارشناسان متبحر متون مقدس میسر نیست.

گفته‌ها و نوشته‌ها درباره طومارهای بحرالمیت بسیار است و کاستی اطلاعات موجود درباره نحوه پیدایش، فعالیت، و سرانجام نابودی فرقه اسرارآمیزی که این طومارها را نوشتند همیشه بهانه‌ای بوده که هر پژوهشگری باب تحقیق در این باره را بگشاید و با انتشار کتاب و مقاله، حدسیات تازه‌ای برای خوانندگان خود مطرح نماید. این تحقیقات با وجود پراکندگی و گاه تناقض در نتایج، کمک شایانی به بازتر شدن افق فکر و اندیشه دانشمندان زمان ما نموده‌اند و دیدگاه‌های تازه و بکری را نسبت به تکامل فرهنگی آیین یهود و همچنین نحوه پیدایش و نضج‌گیری آیین مسیح مطرح ساخته‌اند که از جهت آشنایی هرچه بیشتر با ابعاد باطنی و معرفتی این ادیان و حل برخی معضلات تاریخی مربوط به آنها، بسیار ارزشمند و قابل تأمل‌اند.

با توجه به اهمیت این طومارها و ضرورت دسترسی محققان به محتوای آنها تا کنون تلاش‌های فراوانی برای ترجمه آنها به زبانهای مختلف صورت گرفته است و اکنون به یاری خداوند، ترجمه فارسی آن نیز در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد. نویسنده کتاب، پروفیسور گِزا ورمش دانشمند مجارستانی و استاد دانشگاه آکسفورد، از پیشگامان تحقیق علمی درباره طومارهای بحرالمیت است که خود سالها عضو هیأت ویژه جمع‌آوری و قرائت طومارها بوده است. او ضمن ارائه متن تمام این طومارها، مقدمه‌ای نیز بر کتاب نوشته که در آن تقریباً همه مسائل مهم و اساسی در این باره را به تفصیل بیان کرده و همه اطلاعات ضروری در خصوص فرقه و نوشته‌های آن را در اختیار خوانندگان گذاشته است. به این ترتیب، آوردن مقدمه‌ای دیگر از سوی مترجم، ابتدا کاری زائد و غیرضروری به

نظر می‌رسید، اما از آنجا که پروفیسور ورمش به جهت شأن بالای علمی خود مسائلی را که از نظر خودش کم‌اهمیت یا تکراری به نظر می‌رسیده بسیار به اختصار آورده و خوانندگان خود را درباره آنها به منابع دیگر ارجاع داده است شاید این مسأله برای خوانندگان ایرانی که معمولاً به آن منابع دسترسی ندارند، نقص و کاستی به حساب آید. از آنجا که احساس می‌شد که بیان برخی از این مسائل برای خوانندگان سودمند است، تصمیم گرفتیم آنها را در مقدمه‌ای مورد بررسی قرار دهیم، تا خوانندگانی که قصد تحقیق و مطالعه بیشتر در این باره را دارند بتوانند با ابعاد دیگری از موضوع نیز آشنا شوند و راه برای پژوهش‌های بعدی آنان در این زمینه هموارتر باشد.

فرقه غارها

داستان طومارهای بحرالْمیت از هر جا که آغاز شود داستانی بس جذاب و شگفت‌انگیز است. نویسندگان این طومارها، اعضای فرقه‌ای مرموز از راهبان یهودی بودند که حدود یک قرن پیش از میلاد در بیابانهای متروک و دورافتاده یهودیه در منطقه قمران، نزدیک سواحل دریاچه بحرالْمیت می‌زیستند. این راهبان با کناره‌گیری از اجتماعات مرسوم یهودیان آن روزگار، در خلوت بیابان به تهذیب نفس و سیر و سلوک روحانی مشغول بودند و مراسم و آیینهای سری خود را در غارهای مناطق کوهستانی نزدیک سواحل بحرالْمیت انجام می‌دادند. در میانه قرن اول میلادی وقتی اعضای فرقه، خپر حمله قریب‌الوقوع رومیان را شنیدند همه اسرار و دانسته‌های خود را بر طومارهایی نوشتند و آنها را درون خمره‌هایی سفالی در غارها پنهان کردند تا پس از رفع خطر، دوباره بازگردند و آنها را بردارند. اما حمله رومیان چنان سهمگین بود که فرقه را به کلی نابود ساخت، به طوری که از اعضای آن هیچ کس باقی نماند تا برای برداشتن طومارها برگردد. چنین بود که آن طومارها، قرن‌ها به دور از چشم همگان در غارها باقی ماند تا سرانجام در زمان ما دست سرنوشت پس از دو هزار سال سکوت و فراموشی دوباره آنها را آشکار نمود. ما آن فرقه مرموز را از روی زیستگاه‌شان با نام «فرقه بحرالْمیت» می‌شناسیم، و قرقسانی دانشمند یهودی در قرن نهم میلادی که اطلاعاتی درباره آنها داشته، از آنان با عنوان «فرقه غارها» یاد کرده است.

کشف شگفت‌انگیز

داستان کشف طومارهای بحرالْمیت در زمان ما، داستانی جذاب و خواندنی است که در منابع مختلف همواره تکرار شده است. این داستان، بسیار شبیه داستان کشف اولیه تعدادی از آنها در زمان تیموتائوس اول در قرن هشتم میلادی است، که بعداً به آن اشاره خواهد شد؛ آنچه در آن زمان موجب این کشف شد سگ یک شکارچی عرب بود و در زمان ما، بز یک چوپان عرب. ماجرا از این قرار بود که،^۱ اواخر سال ۱۹۴۶ یا اوایل سال ۱۹۴۷ میلادی در صحرایی متروک و

مقدمه مترجم ۱۵

دورافتاده نزدیک سواحل بحرالمیت در فلسطین، یک چوپان جوان عرب به نام محمد احمد الحامد، معروف به محمد الذئب (محمد گرگه) به دنبال بز گمشده خود ناچار به بالا رفتن از کوهی شد. صدای بز او را به سوی غار تاریکی کشانید، و برای دانستن اینکه بزش در آنجا هست یا نه تعدادی سنگ به داخل آن پرتاب کرد. از صدایی که برخاست، چوپان جوان چنین به نظرش آمد که یکی از سنگها به ظرفی سفالی برخورد کرده و آن را شکسته است. حس کنجکاوی او برانگیخته شد و تصور کرد گنجینه‌ای یافته است؛ اما چون به تنهایی جرأت ورود به غار را نداشت از کوه پایین آمد و دو روز بعد با دو تن از دوستانش دوباره به آنجا برگشت. آنها در غار چند خمره سفالی یافتند و با این گمان که شاید گنجینه‌ای درون آنها باشد آنها را برداشته و با خود بیرون آوردند، اما به زودی متوجه شدند در داخل خمره‌ها چیزی جز چند تکه چرم پاره و بدبو نیست. روز بعد، آنها تکه‌چرم‌ها را با این تصور که فقط به درد تعمیر کفش می‌خورند به پینه‌دوزی به نام کاندو نشان دادند و او نیز آنها را به چند پول سیاه از چوپانها خرید و پس از دیدن نوشته‌های عبری روی تکه‌چرم‌ها با حدس اینکه ممکن است کمی قدمت داشته باشند بعداً آنها را به قیمتی بالاتر، به یک کشیش سریانی فروخت. کشیش نیز آنها را به مار آتاناسیوس یسوع سموئل، مطران (رئیس روحانی) صومعه ارتدوکس «مرقس مقدس» در بیت‌المقدس واگذار کرد. مدتی بعد، چوپانها بقیه تکه‌چرم‌هایی را که یافته بودند نزد عتیقه‌فروش دیگری بردند و با تعریف کردن ماجرا برای او، به وی پیشنهاد کردند چرمها را بخرد. عتیقه‌فروش عرب پیش از خریدن چرمها، آنها را از طریق دوست خود که یک دلال ارمنی بود به دانشمندی یهودی به نام الیازار سوکنیک که استاد باستان‌شناسی در دانشگاه عبری بود نشان داد. پروفیسور سوکنیک به ارزش واقعی چرمها پی برد و تصمیم گرفت آنها را برای دانشگاه عبری خریداری کند اما با اعلام موجودیت رژیم اسرائیل در فلسطین و وقوع جنگ بزرگی بین آن رژیم و اعراب ادامه کار با دشواریهای روبه‌رو گردید. پروفیسور سوکنیک توانست طومارهایی را که نزد عتیقه‌فروش عرب بود در اختیار بگیرد اما مار آتاناسیوس با سفر مخفیانه به بیروت و سپس آمریکا، طومارهای متعلق به خود را به آن سوی اقیانوس برد. پس از پروفیسور سوکنیک، پسرش ایگال یادین که مانند پدرش متخصص باستان‌شناسی بود و با داشتن مقام معاونت وزیر جنگ اسرائیل دانش و سیاست را با هم در آمیخته بود نسبت به جستجو و جمع‌آوری آنها اقدام کرد و با کمکهای مالی رژیم اسرائیل این طومارها را با روشهای پیچیده‌ای خریداری و مخفیانه دوباره از آمریکا به فلسطین اشغالی منتقل ساخت.^۳

انتشار خبر کشف طومارها، غوغایی در تمام جهان برپا نمود و به زودی به خبر اول همه جراید و مطبوعات جهان تبدیل شد. تحقیقات وسیع و فراوانی برای قرائت و رمزگشایی از طومارها آغاز گردید و مطالعه ویژگی‌ها و مضامین آنها موضوع تعداد زیادی از پایان‌نامه‌های دانشجویان سطوح عالی دانشگاههای جهان قرار گرفت. آگاهی از محتویات این طومارها اسرار فراوانی از روزگار باستان را فاش نمود و ابعاد تازه‌ای از گستره فکری و فرهنگی قوم یهود را در برابر چشم جهانیان قرار

۱۶ طومارهای بحرالْمیت

داد. کشف این مجموعه عظیم نوشته‌های دو هزار ساله متعلق به آغاز عصر مسیحیت، در زمانی که دستیابی به حتی یک نسخه از کتاب مقدس متعلق به هشتصد و یا هزار سال پیش نیز به دشواری امکان‌پذیر است، چشم همگان را خیره کرد و تمامی کارشناسان خبره کتاب مقدس و ادبیات عبری عهد باستان را به هیجان آورد؛ زیرا این نسخه‌ها برای اولین بار تقریباً همان روایتی از کتاب مقدس را در اختیار جهانیان قرار می‌داد که عیسی مسیح آن را خوانده و شنیده بود. به همین دلیل است که دانشمندان زمان ما کشف این طومارها را «بزرگترین کشف کتاب مقدسی قرن بیستم» لقب داده‌اند.^۴

ردّپای طومارها در تاریخ

رسم مخفی کردن طومارها در خمره به منظور حفاظت از آنها، از دیرباز میان یهودیان فلسطین وجود داشته و اشاراتی به آن در کتاب مقدس آمده است.^۵ در نوشته‌ای قدیمی مجعول‌العنوان به نام معراج موسی نیز توصیف جالبی از نحوه پنهان کردن طومارها و کتیبه‌ها در ظروف سفالی را می‌توان یافت.^۶ شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد مسیحیان و یهودیان در قرون گذشته از وجود چنین طومارهایی به‌ویژه در غارهای مناطق کوهستانی اطراف اریحا و سواحل بحرالْمیت آگاه بوده و حتی به برخی از آنها نیز دسترسی پیدا کرده‌اند. اورینگن^۷ راهب و دانشمند بزرگ مسیحی در قرن سوم میلادی، در یکی از آثار خود تأکید کرده است که نسخه‌ای از کتاب مقدس را در خمره‌ای نزدیک شهر اریحا یافته است.^۸ تیموتائوس اول^۹ اسقف سلوکیه^{۱۰} در قرن هشتم میلادی در نامه‌ای به زبان سریانی به سرگیوس^{۱۱} رئیس صومعه الام،^{۱۲} به «کتابهایی به خط عبری» اشاره کرده که درون غارهایی در یک منطقه کوهستانی نزدیک اریحا پیدا شده‌اند.^{۱۳} طبق گفته او، ماجرای کشف آن «کتابها» بدین صورت بوده که سگ یک شکارچی عرب موقع شکار به درون غاری رفت و دیگر از آن بیرون نیامد؛ صاحب سگ به دنبال آن وارد غار گردید و در آنجا فضای حجره‌مانندی یافت که در آن کتابهای زیادی در صخره گذاشته شده بود. شکارچی سپس به اورشلیم رفت و ماجرای خود را به یهودیان گفت، و آنها نیز آمده و کتابهایی از عهد عتیق و چند کتاب دیگر را به خط عبری در آنجا یافتند. متن نامه تیموتائوس اول چنین است:

ما از یهودیان قابل اعتمادی که بعداً به عنوان شاگرد نوآموز در ائین مسیحیت تربیت شدند پی بردیم که ده سال قبل کتابهایی در یک صخره نزدیک اریحا پیدا شده است. ماجرای آن چنین بود که سگ یک عرب موقع شکار، در حالی که سرگرم بازی بود به درون غاری رفت و دیگر از آن بیرون نیامد؛ صاحب سگ به دنبال آن وارد غار گردید و در آنجا فضای حجره‌مانندی یافت که در آن کتابهای زیادی در صخره گذاشته شده بود. شکارچی سپس به اورشلیم رفت و ماجرای خود را به یهودیان گفت، و آنها نیز به تعداد زیاد آمده و کتابهایی از عهد عتیق و

مقدمه مترجم ۱۷

چند کتاب دیگر را به خط عبری در آنجا یافتند. و چون در میان آنان دانشمند متبحری در متون قدیمی وجود داشت از او درباره بسیاری از عبارات موجود در عهد جدید سؤال کردم که [گفته شده] متعلق به عهد عتیق است اما در هیچ جای عهد عتیق یافت نمی‌شود چه در نسخه‌هایی که نزد یهودیان است و چه نسخه‌هایی که نزد ما مسیحیان می‌باشد. او گفت که آنها متعلق به عهد عتیق اند و در کتابهایی که کشف شده، وجود دارند. وقتی من این را از شاگردان نوآموز شنیدم و همچنین از دیگران نیز در این باره پرس‌وجو کردم و آنها هم همان ماجرا را بدون هیچ تفاوتی برایم بازگو کردند، آن را برای گابریل (جبرئیل)^{۱۴} معروف و نیز برای شوبحال ماران^{۱۵} رئیس صومعه دمشق نوشته [و از آنان خواستم] آن کتابها را جستجو کنند و ببینند عبارت «او ناصری خوانده خواهد شد» و سایر عبارات نقل شده از عهد عتیق در عهد جدید که در متونی که فعلاً توانسته ایم از کتابهای پیامبران بیابیم دیده نمی‌شود، در کجای آنها آمده است. من همچنین از او خواستم اگر عباراتی مانند «بر من رحمت آور ای خداوند، طبق شفقت خود... از زوفای خون صلیبت بر من بپاش و مرا طاهر گردان» در آن کتابها یافت شود، بی‌معطلی آنها را برایم ترجمه کند. این عبارت نه در نسخه هفتادی (سبعینیه) دیده می‌شود و نه در بقیه [ترجمه‌ها] و نه در [متن] عبری. اما آن عبرانی به من گفت: ما بیش از دویست مزمور از داود در کتابهایمان یافته‌ایم. من در این باره برای آنها نوشتم. با این حال گمان می‌کردم که این کتابها را ارمیاء پیامبر یا باروخ یا بعضی دیگر از کسانی که کلام خدا را شنیده و از آن برانگیخته شده‌اند، [در غارها] گذاشته‌اند. در واقع، وقتی پیامبران به الهام خداوند از غلبه [دشمنان]، غارتگریها و آتش‌زدن‌ها که به خاطر گناهان قوم گریبانگیرشان می‌شد آگاهی یافتند، کتابهای مقدس را [در] درون کوه‌ها و غارها پنهان کرده و مخفی داشتند با این امید قوی که چیزی از کلمات الهی بر زمین فرو نماند مبادا در آتش سوزانده و یا از سوی غارتگران به یغما برده شود. به هر حال، آنان که این چیزها را پنهان کردند، خود در یک دوره هفتاد ساله یا قبل از آن از دنیا رفتند و چون قوم از بابل بازگشتند از کسانی که آنها را [در غار] مخفی کرده بودند کسی باقی نمانده بود... اگر این عبارات در کتابهای نامبرده وجود داشته باشد، در این صورت مطمئناً آنها قابل اعتمادتر از متونی خواهند بود که [فعلاً] نزد عبرانیان و همچنین ما (مورد استفاده) است. من به هر حال هنوز درباره این موارد پاسخی به نامه خود دریافت نکرده‌ام، و شخص مناسبی را هم برای فرستادن [در پی این کار] ندارم. این همچون آتشی در قلب من است که می‌سوزد و به استخوانم زبانه می‌کشد».^{۱۶}

قرقسانی (چرکسی)^{۱۷} مفسر مشهور تورات و از اعضای فرقه یهودی قرائیم در قرن نهم میلادی

(یک قرن بعد از تیموتاوس اول) نیز در یکی از کتابهای خود به طور ضمنی به فرقه‌ای از یهودیان قدیم اشاره کرده و به خاطر پیدا شدن کتابهایشان در غار، از آنها با نام «فرقه غارها» یاد کرده است (واضح است که او در اینجا به همان کتابهایی اشاره می‌کند که نیم قرن زودتر، در زمان تیموتاوس اول در غارهای نزدیک اریحا کشف شده بودند). وی ضمناً می‌گوید که تفاوت این فرقه از سایر فرقه‌ها از این جهت بوده که اعضای آن از تقویمی مخصوص به خود استفاده می‌کرده و کتابهایشان بیشتر در مورد تفسیر و شرح کتاب مقدس بوده است.^{۱۸} این دو نکته دقیقاً همان چیزهایی هستند که امروز ما از مطالب طومارها درباره فرقه بحرالْمیت می‌دانیم. ضمناً این موضوع نشان می‌دهد که لااقل از هفده قرن زودتر، دستبردهایی به غارهای این منطقه صورت می‌گرفته، همچنان که کشف تعداد زیادی خمره سفالی خالی از طومار در این غارها گواه آن است. به نظر می‌رسد بخشی از اسناد فرقه نظیر «قانون جامعه» و «سند دمشق» در سالهای قرون وسطا در دسترس بوده، زیرا در انجیل برنابا که در فاصله قرن چهاردهم تا شانزدهم میلادی تألیف شده ردّی‌هایی از آن باقی مانده است.^{۱۹} اما نویسندگان این طومارهای شگفت‌انگیز چه کسانی بوده‌اند؟ ابهامات فراوانی که در منابع مختلف درباره فرقه‌های مختلف یهودی در روزگار باستان وجود دارد، تطبیق سرگذشت فرقه بر هر یک از آنها را دشوار می‌سازد. پس منطقی‌ترین کار آن است که برای آگاهی از سرگذشت این فرقه مرموز و ماجرای آنان، ابتدا به طومارهایی که خودشان نوشته‌اند مراجعه کنیم، و ببینیم که خود آنها چگونه خویش را معرفی کرده‌اند، و از حوادثی که بر ایشان گذشته چه اطلاعاتی برای ما بر جای نهاده‌اند. البته باید دانست که در هیچ یک از طومارها سرگذشت کاملی از فرقه آورده نشده و ما ناچاریم این سرگذشت را از کنار هم قرار دادن عبارات پراکنده و بعضاً رمزآمیزی از چندین طومار مختلف بازسازی کنیم. با داشتن گزارش کاملی از حیات فرقه از روی منابع خود آن، خواهیم توانست آن را در چهارچوب کلی وقایع تاریخی بگنجانیم، و درباره چگونگی پیدایش و نابودی آن بهتر قضاوت کنیم.

سرگذشت فرقه به روایت طومارها

آغاز ماجرای فرقه شگفت‌انگیز بحرالْمیت، آن گونه که از خود طومارها به دست می‌آید، فاصله زمانی چندانی از بزرگترین تحول روحانی جامعه فلسطین یعنی ظهور حضرت عیسی (ع) ندارد: حدود چهارصد سال بعد از حمله بُخت‌نَصْر به اورشلیم، یعنی تقریباً دو قرن پیش از میلاد مسیح.^{۲۰} در آن زمان، شهر اورشلیم شاهد ظهور کاهنی پارسا در معبد مقدس بود.^{۲۱} این کاهن (که نام صریحش هیچ‌جا ذکر نشده)، آیات تورات و کلمات پیامبران را به شیوایی شرح می‌داد^{۲۲} و عده زیادی از شنوندگانش باور داشتند که خدا اسرار پیامبران را بر او آشکار کرده است.^{۲۳} کلام او دلنشین و تعالیمش الگوی حق و عدل بود، و به همین جهت به نام «آموزگار حق»^{۲۴} شناخته شد.^{۲۵} اما این امر

مقدمه مترجم ۱۹

حسد عده‌ای از کاهنان را برانگیخت و رئیس آنان که قبلاً مردی نیکو و از مریدان آموزگار بود (و نام او نیز هیچ‌جا ذکر نشده)، به خاطر پول و قدرت وسوسه شد و شروع به توطئه‌چینی علیه وی نمود.^{۲۶} این کاهن شریب با دروغها و دسیسه‌هایش^{۲۷} توانست بسیاری از مردم را در مورد آموزگار، گمراه کند.^{۲۸} به زودی بین مردم اختلاف افتاد و کاهن شریب که هواداران خود را بیشتر می‌دید به آموزگار حق توهین کرد و او را زد.^{۲۹} هواداران آموزگار از این گستاخی برآشفتنند و نزاعی خونین بین طرفین درگرفت.^{۳۰} در آن نزاع سخت، بعضی از بزرگان شهر فقط نظاره‌گر ماجرا شدند و حمایتی از آموزگار نکردند.^{۳۱} با بالا گرفتن اختلافات، کاهن شریب به آموزگار اعلام کرد که باید اورشلیم را ترک کند.^{۳۲} آموزگار به‌ناچار با مریدان خود از شهر خارج گردید.^{۳۳} و به تبعیدگاه (دمشق؟) رفت.^{۳۴} مریدان آموزگار در تبعیدگاه با او عهدی تازه بستند.^{۳۵} آنها عهد بستند که تنها او را استاد و معلم خویش بشناسند و به احکام دین خود طبق آنچه که او می‌گوید عمل کنند.^{۳۶} آنها معتقد بودند که آموزگار حق به راستی فرستاده خداوند است^{۳۷} و عهدی که با او بسته می‌شود تنها راه رستگاری است.^{۳۸}

اما رئیس کاهنان، که هنوز از آموزگار و رواج تعالیم او می‌ترسید دست از سر او برنمی‌داشت؛ او سفری به تبعیدگاه آموزگار نمود و در آنجا به آزار او و مریدانش پرداخت.^{۳۹} در اثر همین تحریکات عده‌ای از مریدان اعتقاد خود را نسبت به آموزگار از دست دادند و به کاهن شریب پیوستند.^{۴۰} کاهن شریب پس از بازگشت به اورشلیم شرارتهایی نمود که به سبب آن مورد خشم بیگانگان قرار گرفت و به شدت مجازات شد، و بدین‌سان تاوان اهانت خود به آموزگار حق را پرداخت.^{۴۱} اما از میان مریدان نیز، عده‌ای بعداً بی‌وفایی پیشه کردند و زبان به ملامت آموزگار گشودند.^{۴۲} اندکی بعد، آموزگار در تبعیدگاه خود از دنیا رفت.^{۴۳}

مریدان تصمیم گرفتند بر اساس اعتقادات و تفسیر نوینی که آموزگار از شریعت به آنها آموخته بود، جامعه‌ای جدا از جامعه بزرگ و رسمی یهودیان تشکیل دهند.^{۴۴} آنها از تبعیدگاه به فلسطین بازگشتند و برای دور بودن از چشم بدخواهان، مقیم بیابان شدند.^{۴۵}

این تقریباً تمام چیزی است که از نحوه پیدایش و شکل‌گیری فرقه از خود طومارها به دست می‌آید. البته در طومارها اطلاعات فراوان دیگری هم درباره ویژگی‌های جامعه قمران و قوانین و مقررات آن وجود دارد، اما این اطلاعات بر آگاهی ما از مراحل بعدی سرگذشت فرقه چیزی نمی‌افزایند. اطلاعات مزبور را پروفیسور ورمش در مقدمه خود به‌طور کامل بیان داشته است و به همین جهت از تکرار آن در اینجا خودداری می‌کنیم.

امروز مسلم گردیده که فعالیت فرقه بحرالمیّت تأثیر زیادی بر تحولات فکری جامعه فلسطین به‌ویژه پیدایش مسیحیت داشته است. شباهت چشمگیری میان شیوه زندگی تعدادی از بزرگان صدر مسیحیت با شیوه زندگی اعضای فرقه بحرالمیّت به چشم می‌خورد. یحیی تعمیددهنده که در ساحل

۲۰ طومارهای بحرالْمِیت

رود اردن غسل تعمید می‌داد و در بیابانهای یهودیه (محل اقامت فرقه بحرالْمِیت) موعظه می‌کرد
ظاهراً به شیوه آنان می‌زیست:

و در آن ایام، یحیی تعمید دهنده در بیابان یهودیه ظاهر شد و موعظه کرده،
می‌گفت: توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است. زیرا همین است آنکه اشعیاء
نبی از او خبر داده و می‌فرماید صدای نداکننده‌ای است در بیابان که می‌گوید: راه
خداوند را مهیا سازید و طریق‌های او را راست نمایید. و این یحیی لباسی از پشم
شتر داشت و کمربند چرمی به کمر می‌بست و خوراکش ملخ و عسل بیابانی بود. در
این وقت، اورشلیم و تمام یهودیه و جمیع حوالی اردن نزد او بیرون می‌آمدند، و به
گناهان خود اعتراف کرده، در [رود] اردن از وی تعمید می‌گرفتند.^{۴۶}

و جالب است بدانیم جمله‌ای که یحیی تعمیددهنده در صحرای یهودیه (محل اقامت فرقه
بحرالْمِیت) از کتاب اشعیاء به زبان می‌آورد عیناً در طومارهای بحرالْمِیت هم مورد تأکید قرار گرفته، و
به نظر می‌رسد که برای آنان اهمیت ویژه‌ای داشته است:

و چون آنها خود را در اسرائیل به عنوان یک یَحَد (جامعه واحد) طبق این
قوانین شکل دهند، از جرگه مردم شریر جدا خواهند بود تا به بیابان رفته و در
آنجا راه او را آماده کنند، همان‌طور که در کتاب آمده است: راه [پروردگار] را در
بیابان آماده کنید، و در صحرا راهی برای خدای ما هموار سازید.^{۴۷}

آثار تعالیم فرقه بحرالْمِیت را هرچند نه در سخنان خود عیسی (تا جایی که در انجیل‌های هم‌دید
آمده) اما در نوشته‌های بعضی از مبلغین اولیه مسیحی می‌توان یافت. پولس رسول، بزرگترین مبلغ
آیین مسیح در قرن اول میلادی که به گفته خودش پیش از گرویدن به مسیحیت یک یهودی
فریسی به نام شائول و از شاگردان معبد اورشلیم بود، عقایدی شبیه عقاید این فرقه داشت و این
موضوع در نوشته‌های او نیز بازتاب یافته است. او در رساله‌های خود با اشاره به ظهور عیسی به
عنوان یک «عهد جدید» بین خدا و بشر،^{۴۸} همواره مدعی بود که دانش ماورائی خود را از طریق
«کشف روحانی» به دست آورده^{۴۹} و در این باره همواره از یک «حکمت مخفی» سخن می‌گفت^{۵۰} و
تأکید می‌کرد که فقط «عده کمی از کاملین»^{۵۱} و «قدیسین»^{۵۲} به آن واقف بوده‌اند. او در سخنانش
حتی به صراحت از اصطلاحات مرسوم میان اعضای فرقه بحرالْمِیت استفاده می‌کرد، مثلاً بارها
اصطلاح «پسران نور» را که در طومارهای بحرالْمِیت همواره برای اشاره به پیروان فرقه به کار رفته،
در نوشته‌های خود آورده^{۵۳} و حتی یک بار هم به صراحت این اصطلاح را درباره خود مسیحیان به
کار برده است.^{۵۴} او همچنین مشابه آنچه در طومارهای بحرالْمِیت آمده، گاهی شیطان را در برابر
«فرشته نور» قرار داده است.^{۵۵} یوحنا ی انجیل نویس هم که ظاهراً عض و یک فرقه عرفان‌گرا در